

آشاره

هفته اول شهریورماه، به مناسبت شهادت دو دولت مرد بزرگ انقلاب اسلامی، شهید محمدعلی رجایی (رئیس جمهور) و شهید حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد باهنر (نخست وزیر) هفته دولت نام گرفته است. در طی این هفته، مردم با عملکرد و دستاوردهای دولت در زمینه های گوناگون عمرانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آشنا می شوند. هیئت دولت با توجه به وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی رحمه الله و رهنمودهای مقام معظم رهبری، می کوشد در زمینه های گوناگون به موفقیت های بیشتر و مهم تری دست یابد و آینده بهتری برای ملت بزرگ و پرافتخار ایران به وجود آورد.



هفته دولت

در تاریخ هر ملت، فراز و نشیب خاطرات تلخ و شیرین بسیاری در حاکمیت لیبرال ها بر کشور، های تلخ و شیرینی وجود دارد که دل دارد. در این میان، شهادت دو عهده دار امور گردید. این دولت تعیین کننده سرنوشت و سازنده شخصیت فداکار اسلام، رجایی و در آن دوره بحرانی، بیش ترین فرهنگ آن ملت است. نظام باهنر که به آتش کین منافقان حد تلاش و کوشش را برای جمهوری اسلامی در ایران به سوختند، فصلی از شهادت را خدمت به اهداف مقدس انقلاب رهبری بزرگ مردی که جهان به نام «هفته دولت» در تاریخ از خود نشان داد، تا آنجا که مانند او را کمتر به خود دیده انقلاب گشوده است. علت نام جان خویش را سر آن نهاد. است، نیز جان فشانی فرزندان گذاری چنین هفته ای این است فداکار این مرز و بوم، بزرگ که دولت شهید رجایی، نخستین ترین بخش تاریخ ماست که دولت و مکتبی بود که پس از

رجایی و باهنر از زبان مقام معظم رهبری

هفته دولت کرامی باد

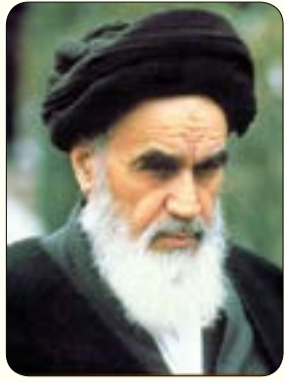
مقام معظم رهبری درباره ویژگی های اخلاقی شهیدان رجایی و باهنر می فرماید: «شهید باهنر، مرد بی تظاهری بود که هیچ کس از ظاهر آرام او نمی فهمید در باطن و ذهن و اندیشه مؤاج او چه می گذرد. وی یکی از متفکرین و تئوریسین ها و ایدئولوگ های انقلاب بود. نوشته های زیادی داشت و کتاب های زیادی را تنظیم کرده بود... ارتباطات نزدیکی با شهید مطهری و شهید بهشتی داشت و هر دوی اینها، برای عظمت فکری و قدرت تفکر عملی او ارزش زیادی قائل بودند... نقش شهید رجایی و باهنر در افشا نمودن ماهیت لیبرالی و منافقانه بنی



کارنامه رجایی و باهنر

زمانی که دولت شهید رجایی از مجلس رأی اعتماد گرفت و کار خود را شروع کرد، مردم ناراضی و نگران از عملکرد دولت موقت، در پی نخست وزیری می گشتند که عقده قلب آنها را بگشاید و به انقلاب شور و هیجانی دوباره ببخشد این در حالی بود که یک خط لیبرالیستی خطرناک در زیر نقاب ها و حجاب های گوناگون، می کوشید انقلاب اسلامی را از مسیر خود منحرف کند آن را از حرکت باز دارد و به نابودی بکشاند شهیدان رجایی و باهنر توانستند عشق و ایمان را به مردم

ارزیابی حادثه شهادت



مقام معظم رهبری، یک سال بعد از شهادت مظلومانه رجایی و باهنر، در مورد ارزیابی این حادثه می فرماید: «ما امروز

از این حادثه درس می گیریم که ضد انقلاب برای پیشبرد اهداف خودش، حاضر است چهره هایی به قداست رجایی و باهنر را به آن شکل فجیع نابود کند ما می فهمیم که ضد انقلاب با چهره های منافقانه ای حاضر است در همه جا و حتی اتاق کار شهید رجایی نفوذ کند و به این وسیله، جنایتی را انجام دهد در صورتی که شهید با همه زیرکی و هوشیاری او را نشناسد و چهره منافقانه او را نتواند تشخیص دهد. ما این حادثه را در تاریخ گذاشتیم، اما یک بایگانی بسته و متروک نیست، بلکه هر لحظه در مقابل چشم ماست و باید از آن عبرت بگیریم و همچنان که بارها گفتیم، خودمان را برای سرنوشت افتخارآمیز و غرورآمیز این دو شهید عزیز آماده کنیم.»

پیام امام رحمه الله به مناسبت شهادت

امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت شهیدان رجایی و باهنر فرمود: «ملتی که قیام کرده است در مقابل همه قدرت های عالم، ملتی که برای اسلام قیام کرده است، برای خدا قیام کرده است، برای پیشرفت احکام قیام کرده است، این ملت را با ترور نمی شود عقب راند. گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی هستند که با هم در جبهه های نبرد با قدرت های فاسد هم جنگ و هم رزم بودند مرحوم رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بودم و خدا خواست که با هم از این دنیا به سوی او هجرت کنند.»

دولت، امانت الهی

نیاز بشر به حکومت

در زندگی اجتماعی، وجود قانون که حدود و وظایف اجتماعی افراد را تعیین کند، امری ضروری است. از سویی، قانون بدون پشتوانه اجرایی، تأثیر ندارد. از این رو، لازم است فرد یا گروهی بر اجرای قانون نظارت کنند و با به کارگیری ابزارهای لازم، زمینه اجرای آن را فراهم آورند. این امر همان حکومت و رهبری جامعه است که در طول تاریخ، با اشکال ساده و پیچیده در میان بشر معمول بوده است.

اندیشه دولت در شریعت و فقه

دین، دعوت به اجتماع و دولت را از زمان حضرت نوح علیه السلام آغاز کرده و برای نخستین بار بر تشکیل جامعه و دولت تأکید ورزیده است. دین اسلام نیز از آغاز، با فریاد «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» حرکت سیاسی، فکری و اعتقادی خویش را روشن ساخت و با همین رویکرد به تشکیل دولت الهی پرداخت. نامه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر امور مردم، و نیز سازمان دهی اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، و قضایی، مسئله ای بود که پس از آن الهام بخش حکومت های بعدی شد.

دولت، امانت الهی

قرآن کریم، حاکم و سرپرست اجتماع را، امین و نگهبان آن جامعه می داند. امام علی علیه السلام با الهام از این آیه، در نامه ای به حاکم آذربایجان می نویسد: «مبادا پنداری حکومتی که به تو سپرده شده، شکاری است که به چنگت افتاده است؛ خیر، امانتی برگردنت گذاشته شده و بالادست تو، از تو حفظ حقوق مردم را می خواهد. تو را نرسد که به استبداد و دل خواه میان مردم رفتار کنی.» حضرت در جای دیگر، ضمن بخشنامه ای به مأموران مالیاتی خود می فرماید: «به عدل و انصاف رفتار کنید به مردم درباره خودتان حق بدهید. پر حوصله باشید و در برآوردن نیازهای آنها تنگ حوصلگی نکنید که شما خزانه داران رعیت، نمایندگان ملت و سفیران حکومتید.»

شاخصه های حکومت اسلامی از نظر مقام معظم رهبری

پای بندی کامل به دین خدا و اصرار بر اقامه الهی



«هر حکومتی که اساس کارش بر اقامه دین خدا نباشد، علوی نیست. اگر در نظام اسلامی که به نام حکومت علوی خود را معرفی می کند، اقامه دین خدا هدف نباشد، مردم به دین خدا عمل نکنند یا نکنند، اقامه حق الهی بشود یا نشود و بگویم به ما چه ربطی دارد، اگر این گونه باشد، این حکومت علوی نیست. اقامه دین الهی، اولین شاخصه است و این، مادر همه خصوصیات دیگر زندگی امیرالمؤمنین و حکومت ایشان است. عدالت او هم ناشی از این است. مردم سالاری و رعایت مردم در زندگی امیرمؤمنان هم مربوط به همین است.»

عدالت طلبی

«درباره عدالت علوی باید بیشتر از اینها تدبیر کنیم؛ زیرا ارزش یک حکومت، به اقامه عدل است. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: من آماده ام که سخت ترین شرایط زندگی را برای خودم فراهم کنم، اما خدا را در حالی که به یکی از بندگان او ظلم کرده ام ملاقات نکنم. امام علی علیه السلام نسخه کامل اسلام است و حکومت وی، یک حکومت صد در صد اسلامی است. امروزه عدالت باید واقعیتش را در جامعه نشان دهد و کسی حق ندارد بگوید چون ما نمی توانیم مثل امیرالمؤمنین عمل کنیم، پس تکلیفی نداریم، نه، بین آنچه ما می توانیم عمل کنیم و آنچه امیرالمؤمنین بود، مراتب بسیاری فاصله است. ما هر چه می توانیم باید این مراتب را طی کنیم و پیش برویم و مسئولان باید با اجرای عدالت، جاذبه اسلام را مضاعف کنند.»

شعری در مورد هفته دولت / دکتر حسن حبیبی

در رثای رجایی و باهنر

مرحبا ای همدلان نیک بخت
عزم حق کردید و بر بستید رخت

آفرین بر راه و رسم پاکتان
سیر عرفانی سوی افلاکتان



سال ها در عشق دین خوش سوختید
علم و ایمان را بهم بردوختید

امت از تقوایتان ره توشه ساخت
کفر ازرق جامعه، یکسر رنگ باخت

ای عزیزان راه ما راه شماست
چون ره هموارتان، راه خداست

با امام اُمّت حق جوی خویش
عهد می بندیم محکم تر ز پیش

چون رجایی، باهنر، بی گفتگو
جان و سر، بازیم اندر راه «او»

دفاع مقدس در کلام رهبری



هفته دفاع مقدس نمودار مجموعه ای از برجسته ترین افتخارات ملت ایران در دفاع از مرزهای میهن اسلامی و جانفشانی دلاورانه در پای پرچم برافراشته اسلام و قربان است. در این مجموعه تابناک، درخشنده ترین و نفیس ترین نگین گرانها یاد و خاطره شهیدان است. آنها جوانان و جوانمردان رشید و پاک سرشتی بودند که با آگاهی و درک والای خود موقعیت حساس کشور را تشخیص دادند و وظیفه ی بزرگ جهاد در راه خدا را مشتاقانه پذیرا شدند. هر ملتی که چنین دلاوران آگاه و شجاعی را در دامن خود پرورده باشد حق دارد به آنان ببالد و آنان را الگوی تربیت جوانان خود در همه دوران ها بداند.

دفاع مقدس و غرور ملی

هشت سال دفاع جانانه ملت در برابر تجاوز وحشیانه دشمن منشا غرور ملی پایان ناپذیری برای مردم سلحشور ایران گردید و باعث شد که توطئه مشترک شرق و غرب برای به زانو درآوردن ملت بزرگ ایران به فرصتی برای اثبات توانمندی های اسلام و انقلاب و کشور تبدیل شود. رشادت های جوانان برومند، انقلاب و نظام را بیمه کرد و نشان داد که با داشتن پشتوانه مردمی و در پرتو حاکمیت اسلام و وحدت نیروها می توان هر دشمن خیره سری را ناکام ساخت.

دفاع مقدس و ولایت پذیری

این روزها هنگامی که یادی از دفاع مقدس می شود، دنیایی از شرف و حماسه ملتی نجیب و آزاده در اذهان تداعی می شود که عطر معنویت و صفای خاصی به ما ارزانی می دارد.



ملتی که با پرورش رزمندگانی حماسه آفرین مفهوم روشن «تعبد در برابر ولایت» را به نمایش گذاشتند و با انگیزه «ادای تکلیف» در پی «مرجع و رهبر» خود سر از پا نشناخته، به جبهه های حق علیه باطل شتافتند و طلوع عشقی بی بدیل را ترسیم کردند و به پیروزی بزرگی که حفاظت از وجب به وجب سرزمین اسلامی و سیانت از مکتب و عقیده بود دست یازیدند.

هفته دفاع مقدس

جنگ هشت ساله که با تحریک و حمایت همه جانبه استکبار جهانی، توسط رژیم بعثی عراق بر مردم ایران تحمیل شد، تنها محدود به خطوط مقدم جبهه ها نبود، بلکه تمام سرزمین اسلامی ما اعم از شهرها و روستاها را در بر گرفت.

تجاوز عراق به ایران که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (سپتامبر ۱۹۸۰)، آغاز شد و به مدت ۸ سال ادامه یافت، طولانی ترین و بی سابقه ترین جنگ متعارف قرن حاضر به شمار می رود، چرا که جنگ جهانی اول و دوم مدتی کمتر از هشت سال ادامه یافتند و جنگ های دیگر، مانند جنگ ویتنام شمالی و جنوبی نیز به عنوان یک جنگ متعارف همانند جنگ ایران و عراق شناخته نشده است. تاریخ از هشت سال جنگ برای ایران، شرف و آزادی و مقاومت و ایمان به خدا را در صفحات خود ثبت کرد، اما از متجاوز و متحدان او که طی هشت سال او را یاری و تشویق کردند، جز به زشتی یاد نخواهد کرد.

امام خمینی قدس سره فرمودند: هر روز ما در جنگ برکاتی داشتیم که در همه صحنه ها از آن بهره جستیم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان خواران کنار زده ایم.

ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته ایم. ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. ما در جنگ اهدت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه های انقلاب پربر اسلامیمان را محکم کردیم. ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردم مان باور کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت ها و ابرقدرت ها می توان سالیان سال دفاع کرد. (منشور روحانیت - اسفند ۶۷)

جنگ با تمام فراز و فرودهای فراوانی که در طول هشت سال دفاع مقدس داشت. به آتش بس ختم شد. این آتش بس در هاله ای از ابهام قرار دارد. تکلیف بندهای قطنامه ۵۹۸ چه شد؟ کدام یک از بندهای قطنامه بطوری جدی پیگیری شد. این دفاع مقدس از شروع تهاجم دشمن تا مقاومت و تنبیه متجاوز های در طول هشت سال بیش از ۹۰ عملیات کوچک و بزرگ را در خود جای داده است. تلخی ها و شیرینی های بسیاری را در یاد ها زنده میکند.

هر چند شروع جنگ تلخ بود. اما این تلخی شیرینی را به این مردم هدیه داد و که در حالت عادی برای رسیدن به آنها باید قرن ها تلاش کرد.

برپایه فرمایش حضرت امام خمینی قدس سره که فرمودند جنگ تا پایان رفع فتنه بنا بر این ما نمی توانیم پایانی برای جنگ (دفاع مقدس) تصور کنیم. امام فرمودند جنگ نعمت است. آثار این برکت نعمت شیرینی آن همان آغاز جنگ (دفاع مقدس) است نه با پذیرش قطنامه. چرا که علیرغم پیروزی قاطع رزمندگان اسلام (جمهوری اسلامی ایران) این پیروزی به ذائقه رزمندگان اسلام و ملت ایران خوش و شیرین نیامد. زیرا حضرت

چند خاطره خواندنی از جبهه



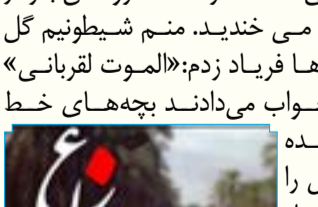
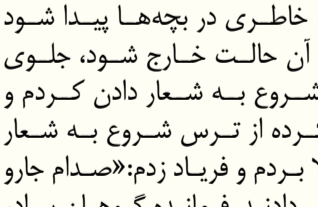
امام خمینی (ره) پذیرش قطنامه را به جام زهر و تلختر از آن تعبیر کردند. و در قسمتی دیگر از سخنان خود خطاب به رزمندگان می فرماید «فرزندان انقلابی ام، ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید که از غرور مقدس دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می گذرد. می دانم که به شما سخت می گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد؟ می دانم که شهادت شیرینتر از غسل در پیش شماست، مگر برای این خادم تان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است.» در حالی که شروع جنگ و ادامه آن را نعمت تلقی کردند. رزمندگانی که در طول دفاع مقدس حضور داشتند. به غیر تکلیف شرعی و احساس مسئولیتی که نسبت به دفاع مقدس داشتند. بعد از رضای خدا دوست داشتند رهبر و مولای آنها پایان دفاع مقدس را شیرین تلقی کرده تا آنها به این شیرینی افتخار کنند. در ضمن دفاع مقدس نه در جنگ بلکه در تمام عرصه های درون انقلاب خود را نشان داد. حتی در عرصه های امروز کشور خودنمایی می کند.

حتی حضرت امام (ره) ۱۳۶۷/۱۲/۳ هفت ماه بعد از پذیرش قطنامه در جمع طلاب می فرمایند: جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فروعاً بود. جنگ ما جنگ ایمان و ذلالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. حضرت امام رحمت الله علیه میفرمایند لازم است ملت شریف ایران عموماً و خصوصاً دولتمردان و گویندگان و نویسندگان و شاعران و هنرمندان از این قشرهای فداکار هریک به سهم خود قدرانی نمایند و مراحل مختلف پیروزی این حماسه آفرینان را با گفتار و نوشتار و کردار خود در معرض نمایش گذارند و در محافل «هفته جنگ» فواید و نتایج و پیامدهای آن را برشمارند و روح شجاع این رزمندگان بزرگ را هر چه بیشتر تقویت کنند.

۱) هوالباقی: هر چه می گفتمی چیزی دیگر جواب می داد. غیر ممکن بود مثل همه صریح و ساده و همه فهم حرف بزند. بعد از عملیات بود، سراغ یکی از دوستان را از او گرفتم چون احتمال می دادم که مجروح شده باشد، گفتم: «راستی فلانی کجاست؟» گفت بردنش «هوالباقی» شستم خبردار شد که چیزیش شده و بردنش بیمارستان. بعد پرسیدم: «حال و روزش چطوره؟» گفت: «هوالباقی» می خواست بگوید که وضعیت خیلی وخیم است و مانده بودم بخندم یا گریه کنم.

۲) صدام، جبار و برقیه: صبح روز عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه همه حسابی خسته بودند، روحیه مناسبی در چهره بچه ها دیده نمی شد از طرفی حدود ۱۰۰ اسیر عراقی را پشت خط برای انتقال به پشت جبهه به صف کرده بودیم برای اینکه انبساط خاطری در بچه ها پیدا شود و روحیه های گرفته آنها از آن حالت خارج شود، جلوی اسیران عراقی ایستادم و شروع به شعار دادن کردم و بیچاره ها هنوز، لب باز نکرده از ترس شروع به شعار دادن می کردند. مشتم را بالا بردم و فریاد زدم: «صدام جبار و برقیه» و اونا هم جواب می دادند. فرمانده گروهان برادر قربانی کنارم ایستاده بود و می خندید. منم شیطانم گل کرد و برای نشاط رزمنده ها فریاد زدم: «الموت لقرابانی» اسیران عراقی شعارم را جواب می دادند بچه های خط همه از خنده روده بر شده بودند و قربانی هم دستش را تکان می داد که یعنی شعار ندهید! او می گفت: قربانی منستم «انا قربانی» و اسیران عراقی هم که متوجه شوخی من شده بودند رو به برادر قربانی کردند و دستان خود را تکان می دادند و می گفتند: «لا موت لا موت» یعنی ما اشتباه کردیم.

۳) آفتابه مهاجم: بین تانکر آب تا دستسویی فاصله بود. آفتابه را پر کرده بود و داشت می دوید. صدای سوتی شنید و دراز کشید. آب ریخت روی زمین ولی از خمپاره



۴) آفتابه مهاجم: بین تانکر آب تا دستسویی فاصله بود. آفتابه را پر کرده بود و داشت می دوید. صدای سوتی شنید و دراز کشید. آب ریخت روی زمین ولی از خمپاره

۷) بوی پتو یا بوی شیمیایی: در عملیات خیبر یه روز شیمیایی زدن. یکی از بچه ها گفت: «شنیدم برای جلوگیری از شیمیایی شدن، پارچه ای را خیس کرده و مقابل دهان و بینی خود می گیرند.» خیلی سریع برای یافتن دستمال خیس به سمت سنگر دویدیم. داخل سنگر، هر کس به دنبال آب و دستمال می گشت که جواد ظرف آبی را روی پتویی ریخت و گفت: «بچه ها بیاید و هریک گوشه ای از این پتو را جلوی دهان و بینتان بگیرید.» ناگهان متوجه شدیم که بوی پتو از بوی شیمیایی هم بدتر است. چون ظهر همان روز مقداری آبگوشت روی آن ریخته بود و بچه ها آن را همان طور جمع کرده و در گوشه ای گذاشته بودند تا در فرصتی مناسب بشویند. خلاصه، جواد در این موقعیت با خنده گفت: «اه اه! بوی این پتو از شیمیایی بدتره!» شلیک خنده به هوا رفت!

۸) بنی صدر! وای به حالت! پدر و مادر می گفتند بچه ای و نمی گذاشتند بروم جبهه. یک روز که شنیدم بسیج اعزام نیرو دارد، لباس های «صغری» خواهرم را روی لباس هایم پوشیدم و سطل آب را برداشتم و به بهانه ای آوردن آب از چشمه دم بیرون، پدرم که گوسفندها را از صحرا می آورد داد زد: «صغرا کجا؟» برای اینکه نفهمد سیفالله هستم سطل آب را بلند کردم که یعنی می روم آب بیآورم. خلاصه رفتم و از جبهه لباس ها را با یک نامه پست کردم. یک بار پدرم آمده بود و از شهر به پادگان تلفن کرد. از پشت تلفن به من گفت: «بنی صدر! وای به حالت! مگه دستم بهت نرسه.»



۹) این طوری لو رفت: دو تا از بچه های گردان، غولی را همراه خودشان آورده بودند و های های می خندیدند. گفتم: «این کیه؟» گفتند: «عراقی» گفتم: «چطوری اسیرش کردید؟» می خندیدند. گفتند: «از شب عملیات پنهان شده بود. تشنگی فشار آورده با لباس بسیجی ها آمده ایستگاه صلواتی شربت گرفته بود. پول داده بود!» اینطوری لو رفته بود. بچه ها هنوز می خندیدند.

جلوه های دفاع مقدس

دفاع مقدس و انگیزه ها

مردم ایران با برخورداری از رهبری توانا و آگاه، هوشمندانه و با انگیزه های دینی و ملی در مقابل دشمن متجاوز به پاخاست و صحنه های زیبایی از وفای ملی را به نمایش گذاشت. انگیزه حضور مردم ما دینی، عقیدتی و ملی بود. دفاع ما نبردی صددرصد شرافتمندانه بود و به همین دلیل حاضر نشدیم مقررات انسانی و اسلامی را در این جنگ زیر پا بگذاریم.

پیام دفاع مقدس

هفته دفاع مقدس یادآور خون های مقدسی است که در پای شجره طوبای انقلاب اسلامی ریخته شد. فرزندان جبهه و شهادت اطاعت را عبادت می بینند. وارثان دفاع مقدس عزت جهاد را با ذلت در خانه نشستن عوض نمی کنند. ایستادگی آنها نشستان تاریخ را به قیام و می دارد و این پیام بزرگ دفاع مقدس است.

جبهه، مدرسه ی عشق

چهره ای شاد و نورانی داشت. خوب که نگاهش می کردی می توانستی آثار خستگی را در صورتش ببینی. ولی چشمانش تو را بیشتر مجذوب خود می کرد.

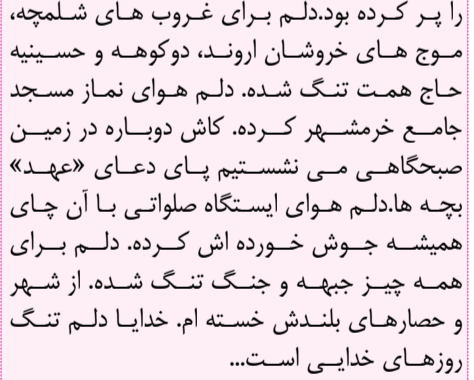
لباس خاکی، ساده و تمیزی بر تن داشت. هفته ساله نشان می داد. لاغر و باریک اندام بود و در چهره اش مظلومیتی غریب موج می زد.

اصلاً به او نمی آمد که مرد جنگ و جبهه باشد؛ اما نگاهش می گفت: «جبهه بزرگ و کوچک نمی شناسد، عشق می شناسد.»

به او می گویم: «چرا به مدرسه نرفتی؟» با اخم نگاهم می کند و جواب می دهد: «جبهه خود مدرسه است؛ آن هم مدرسه عشق و ایثار؛ مدرسه ای که انسان کامل پرورش می دهد.» بعد لبخندی می زند. لبخندش سراسر معنا بود. سال ها بعد مادرش عکسش را نشانم داد و گفت: در کربلای پنج کربلایی شد...

دلنگ روزهای خدایی

دلیم برای جبهه تنگ شده؛ روزهایی که خدا نزدیک بود؛ آن روزها که صدای توپ و تفنگ در هم پیچیده بود و نوای یا زهرا و یا حسین شهر را پر کرده بود. دلیم برای غروب های شلمچه، موج های خروشان اروند، دوکوهه و حسینیه حاج همت تنگ شده. دلیم هوای نماز مسجد جامع خرمشهر کرده. کاش دوباره در زمین صیقلی می نشستم پای دعای «عهد» بچه ها. دلیم هوای ایستگاه صلواتی با آن چای همیشه جوش خورده اش کرده. دلیم برای همه چیز جبهه و جنگ تنگ شده. از شهر و حصارهای بلندش خسته ام. خدایا دلیم تنگ روزهای خدایی است...



دفاع مقدس و استقلال نظامی

ایران قبل از انقلاب اسلامی کشوری بود که در تمام مسائل نظامی وابسته به آمریکا و غرب بود. حضور مستشاران نظامی آمریکا در تمام سطوح نیروهای مسلح آشکار بود. اما با وقوع انقلاب اسلامی و اخراج مستشاران نظامی و شروع جنگ تحمیلی، نیروهای نظامی، خود ارکان ارتش و صنایع نظامی را در اختیار گرفتند. نیازهای مختلف جنگ و تحریم شدید تسلیحاتی باعث شد در صنایع نظامی نوآوری های مختلفی بروز کند.

این روند بعد از جنگ نیز ادامه یافت. ساخت موشک ها و تانک های پیشرفته و ناوهای کوچک و بزرگ از دستاوردهای مهم صنایع نظامی در طول دوران دفاع مقدس می باشد.

هوش هیجانی و هوش اجتماعی چیست؟

خود را ابراز کنید و چگونه آنها را مهار کنید.

چند نکته مهم درباره هوش هیجانی و هوش اجتماعی:

۱- استرس، تمرکز و بازدهی مثبت شما را کاهش می‌دهد. استرس واکنش‌های شما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. یکی از مهمترین تاثیرات تقویت هوش هیجانی در افراد کاهش و مدیریت استرس است. تاکنون افراد بیشماری تلاش‌های بسیاری برای کاهش و مدیریت استرس خود به خرج داده‌اند، مریبان و خود افراد از تکنیک‌های زیادی برای کاهش استرس استفاده کرده‌اند، برخی حتی دارو مصرف کرده‌اند اما گزارش بسیاری از آنها مبنی بر این است که یا در اثر استفاده از داروهای مختلف دچار عوارض جانبی داروها شده‌اند، یا وضعیت آنها وخیمتر شده است یا هیچ تغییری نکرده‌اند. هوش هیجانی به افراد، مدیران شرکت‌ها و سازمان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند هم استرس و هیجانات خود را و هم استرس و هیجانات اطرافیان خود را مدیریت کنند.

۲- عدم توانایی در انجام کار گروهی باعث بروز مشکلات زیادی برای شما در محل کارتان می‌شود.

اگر نتوانید کار گروهی انجام دهید نمی‌توانید در محل کار رابطه خوبی با همکارانتان داشته باشید و محیط کار به تدریج برای شما خسته‌کننده و ملال‌آور می‌شود. یکی از مواردی که مربوط به هوش هیجانی و هوش اجتماعی می‌شود و با تقویت این دو هوش تقویت می‌گردد، کار گروهی است. مهارت کار گروهی، توانایی، تولید، فروش و بازدهی مثبت سازمان را بالا می‌برد.

۳- عزت نفس پایین و ناسالم به شما احساس بی‌ارزش بودن و نالایق بودن می‌دهد و مانع موفقیت یا لذت بردن از دستاوردهایتان می‌شود.

یکی دیگر از مسائلی که برای هر انسانی لازم و واجب است تا بتواند با وجود آن زندگی شاد و سالمی داشته باشد، عزت نفس بالا و سالم است. همان‌طور که در مقالات پیشین هم ذکر کردیم، عزت نفس احساس ارزشمندی و باور توانایی‌ها و آگاهی درون است. بسیاری از افراد خود را نالایق، ناکافی، دوست نداشتنی و بی ارزش می‌دانند و همین احساسات و باورهای مخرب مانع شکوفایی و موفقیت آنها می‌شود اما تقویت هوش هیجانی و هوش اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا با عزت نفس بالاتری زندگی کنند.

۴- اگر نتوانید واکنش‌ها و رفتارهای خود را مدیریت کنید بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهید.

تقویت هوش هیجانی و هوش اجتماعی به افراد این توانایی را می‌دهد که رفتارهای خود و دیگران را مدیریت کنند. این افراد از قبل یاد می‌گیرند که ریشه هیجاناتشان را شناسایی و آنها را مدیریت کنند. آنها پس از اینکه هیجانات خود را به‌طور کامل می‌شناسند و مدیریت آنها را یاد می‌گیرند، می‌توانند هیجانات دیگران را نیز شناسایی و مدیریت کنند.

۵- اگر معنای مثبت و گسترده‌ای از زندگی نداشته باشید، خسته و افسرده می‌شوید.

یکی از تاثیرات هوش هیجانی و هوش اجتماعی بالا به‌دست آوردن معنای گسترده‌تر و زیباتری از زندگی است. تقویت هوش هیجانی و هوش اجتماعی در فرد به او طراوت، پویایی، ذهنی تازه و معنایی مثبت از زندگی می‌دهد.

علی محبی زاده کارشناس ارشد مدیریت اجرایی



چرا هوش هیجانی و هوش اجتماعی از هوش ذهنی مهمتر هستند؟

هوش ذهنی (IQ) بالا اصلاً مضمّن موفقیت در زندگی، کار، روابط با دیگران و رابطه با خود نیست. افرادی می‌توانند از هوش علمی-منطقی (IQ) بالایی برخوردار باشند اما این لزوماً به این معنا نیست که آنها قطعاً افرادی باهوشی هستند. IQ فقط یکی از چندین نوع هوش درون انسان است. هوش علمی - منطقی به ثبت و ضبط اطلاعات، استدلال، برهان، استنتاج، عدد و رقم و... مربوط می‌شود درحالی‌که هوش هیجانی و هوش اجتماعی به شناخت و آگاهی از احساسات و هیجانات خود و دیگران و مدیریت خود و روابط معنی می‌یابد. بنابراین، تصور کنید فردی هوش علمی - منطقی و اطلاعات بسیار بالایی داشته باشد اما نتواند احساسات و هیجانات خود را بفهمد، نتواند هیجانات دیگران را تشخیص دهد، نتواند خود را مدیریت کند (افرادی که نشخوار ذهنی، خشم، استرس، واکنش‌های آنی و... خود را نمی‌توانند مهار کنند) و نتواند روابط خود با دیگران را مدیریت کند، آیا می‌تواند علی‌رغم دانش بالا در حوزه کاری و زندگی شخصی خود موفق باشد؟ حتی افراد بسیار ثروتمند و مشاهیر دنیا هم اقرار می‌کنند که اگر هوش هیجانی و هوش اجتماعی افراد پایین باشد احتمال اینکه در کار خود شکست بخورند زیاد است زیرا عدم مدیریت خود یعنی عدم مدیریت کار و پول خود!

ما در جامعه خود افرادی بسیاری را داریم که هوش علمی - منطقی بالایی دارند اما در حوزه کاری یا در زندگی شخصی یا حتی در هر دوی آنها موفق نیستند. چرا؟ جواب در هوش هیجانی و هوش اجتماعی افراد است. داشتن هوش علمی بالا شرایط خوبی را برای افراد فراهم می‌کند اما هوش هیجانی و هوش اجتماعی بالا یعنی سفر از وضعیت خوب به وضعیت عالی. هوش هیجانی و هوش اجتماعی از سال ۱۹۹۵ بیش از هر موضوع دیگری توجه بسیاری از مدیران در آمریکا را به خود جلب کرد و یکی از داغترین موضوعات در شرکت‌های آمریکایی شد. در حال حاضر بسیاری از شرکت‌ها و کمپانی‌ها مانند گوگل، فیس‌بوک، امریکن اکسپرس، ناسا و... پیشرفت خود را مدیون تقویت هوش هیجانی و هوش اجتماعی مدیران و نیروی انسانی خود هستند. به‌عنوان مثال، شرکت امریکن اکسپرس اعلان دارد که فروش آن دسته از کارکنانش که آموزش‌های مربوط به هوش هیجانی و هوش اجتماعی را دیده‌اند تقریباً ۲۰ درصد نسبت به آنهايي که آموزش ندیده‌اند افزایش داشته است. هوش هیجانی به این مساله مربوط می‌شود که شما چه وقت و چگونه هیجانات

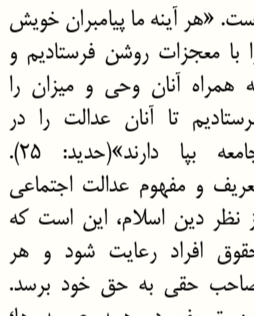
توسعه و عدالت اجتماعی در آموزه های دین اسلام



از دیدگاه دینی، توسعه دارای سرآمدن این خلافت، تأکید دارد. قابل دفاع است. اسلام در پی این مفهوم وسیعی است که هم بار مادی و معنوی و هم اجر اخروی منحصراً به فرد اسلامی از امانت داری انسان، نقش اقتصادی، (د) توسعه اقتصادی، شماری از رفتارهای انسانی باید همسو با هدف های متعالی و در جهت جلب رضایت باری تعالی باشد. شایداز نظر معرفت دینی در اسلام مناسب ترین واژه در مورد توسعه واژه عمران باشد. قران می فرماید « اوست که شما را آفرید و در آن آبادانی به شما داد پس به او استغفار کنید» (سوره هود، ۶۱) ابن خلدون دانشمند اسلامی و مفسر تاریخ در تبیین علم جامعه شناسی از واژه «علم العمران» یاد می کند و می توان آن را به جای کلمه توسعه بکار برد(مرصوصی و بهرامی، ۱۳۸۸: ۸). توسعه دارد. نتیجه تزکیه، رستگاری و سعادت در این دنیا و جهان آخرت است. در پرتو این اصول بنیادین، می توان عناصر مختلف مفهوم جانشین خود قرار داد تا بر اساس قانون شریعت به عمران و آبادی در آن بپردازد. دین اسلام توسعه اقتصادی را به عنوان بخشی از یک مسئله گسترده تر، یعنی توسعه انسان، در نظر می گیرد. رویکرد اولیه اسلام، هدایت توسعه از این رو، توسعه، فعالیت هدفمند و ارزش محور تلقی می شود که هدف از آن، افزایش رفاه انسان در تمامی ابعاد است. از نظر اسلام، امور اخلاقی، مادی، اقتصادی، اجتماعی، روحی و جسمانی لاینفک هستند. اسلام فقط به دنبال رفاه در این دنیا نیست، بلکه در پی سعادت اخروی انسان نیز هست و از نظر اسلام، هیچگونه تضادی بین این دو وجود ندارد.

بنیان های فلسفی رهیافت اسلامی به توسعه عبارتند از: ۱- توحید(یکانگی و حاکمیت الهی)؛ زیر بنای تمامی اصول مربوط به روابط بین انسان و خدا و نیز روابط انسان ها با یکدیگر است. ۲- ربوبیت؛ این اصل به الگوی الهی توسعه کارآمد، منابع، نگهداری و حفاظت از آن پرتو می افکند. در چارچوب این اصل الهی است که اقدامات بشر در قالب آن صورت می گیرد. ۳- خلیفه الله (نقش انسان به عنوان جانشین خدا بر روی زمین)؛ این اصل، موقعیت و نقش انسان را تعریف می کند، بویژه بر مسلمانان و مسئولیت های آنان و نقش امت اسلامی به عنوان

قسط و عدالت اجتماعی بوده است. «هر آینه ما پیامبران خویش را با معجزات روشن فرستادیم و میان روی، اجرای عدالت؛ یعنی قرار گرفتن هر چیزی و هر کسی در جای خودش می دانند. پس در اسلام عدالت یک حق سیاسی، یک تکلیف حقوقی، یک تکلیف اقتصادی است. در اسلام راهکار های دستیابی به عدالت اجتماعی از طریق بر پای نظام اسلامی مبتنی بر امامت عدل و قوانین اجتماعی(حیثیت) و نحوه توزیع عادلانه آن ها و نیز بر خورد قانونی با مردم در خور برابری است و کاربرد دارد(حاجی حیدر، ۱۳۸۸: ۲۵). عدالت شیوه ی مدیریت و ربوبیت آفرینش و ملاک و معیار حکمت عملی و قوام فضایل اخلاقی و تلبور (صراط مستقیم) و ملاک مشروعیت نظام سیاسی و نیز مجوز احراز پست های سیاسی، اجتماعی و دینی است. تشریح انقلاب اسلامی بوده است. مؤلفه های توسعه و عدالت اجتماعی را می توان به دو روش در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی جستجو کرد(علیچانی، ۱۳۸۹).



دارد، نکات ایمنی را با دقت بیشتری رعایت کنید. از پول و اموال با ارزش خود بهدقت مراقبت کنید ۱. قبل از ترک منزل برای مدت طولانی، اموال با ارزش خود را به فرد مورد اطمینان یا صندوق امانات بانک بسپارید، این کار را زمانی که در منزل حضور دارید نیز به شما توصیه می‌کنیم. ۲. محل نگهداری پول نقد، جواهرات و اشیای با ارزش خود را نزد همسایه‌ها یا افرادی که مورد اعتمادتان نیستند، افشا نکنید. ۳. جواهرات و اشیای با ارزش خود را به‌صورت یک‌جا نگهداری نکنید. روی در ورودی چشمی نصب کنید اگر روی در، چشمی داشته باشید، می‌توانید ببینید چه کسی در حال زدن است و اگر ناشناس بود یا به او مشکوک شدید، می‌توانید در باز نکرده و به‌سرعت با پلیس تماس بگیرید. به افراد ناشناس اجازه ورود به منزلتان را ندهید ۱. از ورود افرادی که به‌عنوان مأمور پلیس، دارایی، شهرداری، کارگر خدماتی، مأمور آب، برق، گاز، تلفن و ... مراجعه می‌کنند، پیش از شناسایی کامل ممانعت نمایید.

مقاله رسیده از نیروی انتظامی شهرستان خوی / معاونت اجتماعی



توجه افراد را هنگام رفتن به مسافرت جلب نکنید ۱. ساعت و تاریخ حرکت خود را از اشخاص نامطمئن مخفی نمایید. ۲. وسایل را طوری داخل خودرو قرار دهید که توجه افراد را جلب نکنند، این کار را می‌توانید در داخل پارکینگ انجام دهید. ۳. همه با هم از منزل خارج نشوید، خروج هم‌زمان ساکنان و چندقله نمودن درها، توجه دیگران را جلب می‌نماید.

۵. از زنجیر شبند برای پشت در استفاده کنید. ۶. هنگام رفتن به مسافرت، از بسته‌بیدن تمام درها از جمله در تراس، نورگیر و پشت‌بام مطمئن شوید. ۷. از قراردادن نردبان و چهارپایه در داخل حیاط به‌ویژه کنار دیوارها، خودداری نمایید. ۸. در صورت خالی بودن فضای زیر در ورودی، آن را با استفاده از سنگ یا هر وسیله محکم دیگر پر نمایید. ۹. فضای خالی زبانه در را با استفاده از تکه‌ای چوب یا مقوای فشرده‌شده پر کنید تا باز نمودن آن با وسایلی مثل کارت تلفن غیرممکن شود. ۱۰. اگر تویی قفل در ورودی یا پارکینگ، به‌صورت برجسته است، حلقه‌ای آهنی دور آن جوش دهید. ۱۱. برای درهای دولنگه قفل اضافی تعبیه کنید. ۱۲. نسبت به بازماندن در ورودی و پارکینگ ساختمان خود حساسیت به خرج دهید. ۱۳. اگر در مجتمع زندگی می‌کنید، از طریق هماهنگی با همسایه‌ها، مراقبت از ساختمان خود را به نهمیان محله یا سرایدار مورد اطمینان بسپارید. ۱۴. چنانچه منزل شما ویلایی است یا در مجاورت آن، ساختمان نیمه‌ساز وجود

مجموعه قوانین همراه مدیران

هر رئیس، مدیر و وکیل باید روی میز خود داشته باشد.

فرهنگنامه مجموعه قوانین کاربردی برای مدیران، وکلا و کارشناسان، اساتید و دانشجویان حقوق، حسابداری، مدیریت و اقتصاد

در یک رابطه دو نفره وقتی دو نفر هیچ مشکلی با هم ندارند حتماً یکی از آنها تمام حرفهای دلش را نمی زند.

شکسپیر

جوواد ابدالی

Collection of Laws for Managers

مجموعه قوانین همراه مدیران

هر رئیس، مدیر و وکیل باید روی میز خود داشته باشد.

فرهنگنامه مجموعه قوانین کاربردی برای مدیران، وکلا و کارشناسان، اساتید و دانشجویان حقوق، حسابداری، مدیریت و اقتصاد

در یک رابطه دو نفره وقتی دو نفر هیچ مشکلی با هم ندارند حتماً یکی از آنها تمام حرفهای دلش را نمی زند.

شکسپیر

مجموعه قوانین همراه مدیران

هر رئیس، مدیر و وکیل باید روی میز خود داشته باشد.

فرهنگنامه مجموعه قوانین کاربردی برای مدیران، وکلا و کارشناسان، اساتید و دانشجویان حقوق، حسابداری، مدیریت و اقتصاد

در یک رابطه دو نفره وقتی دو نفر هیچ مشکلی با هم ندارند حتماً یکی از آنها تمام حرفهای دلش را نمی زند.

شکسپیر

شاعران خوبی

« اورین داغی » منظومه سی



کریم ملازاده خوبی (عادل)

دوقفوزونجی بؤلوم

(کوه اورین هر زمان در غرب خوی آید به دید این چنین خوش قد و بالا کوه زیبا را که دید؟ نام زیبایش به ترکی بر «بزرگی» لایق است بر ستیغش برف بینی، دائماً مغر سفید)

اوجال اورین گونش قامتی گورسون آته یینده چمن ساچلارین هورسون

ایل بایرامی گنجه گوندوز یاریدی یاز آیلاری گوزللیگ آیلاری دی گوزللیگی یارادان دا تانری دی

رحمتینده ن گوندوره ر بولودلاری تا آله صدفلردن میرواری

یاغمیر یاغار صفا وئرهر ر چؤلره آخشام یئلی داراخ چکر تلره گول بوداغی یاتاقدیر بولبولره صاباح یئنه گون عالمی گولدوره ر عاشق عشقین معشوقونا بیلدیره ر

چؤلون رنگی صولار گون سوووشاندان آتکلرین بیغیب داغدان آشاندا قویونلارین سودو آشیب دانشاندا یئلین دولوب آل یئماقدان اوزه للر چوبانیله کنده ساری سوزه للر

گون گئدنده باتماغا یئنه ر داغا بیر قیرمیزی شافاق سپهر اوزاغا شافاق کوچوب پلمه گئلر قاباغا

گون یورولوب اودا گره ک دینچله گئدیر یاتا صاباح ائره نه دن گئله

سحر اولجاق یئنه گونش پارلایار پارلاغیندان وار عالمه فایدالار

کیم دئییبدیر گوزه للیگ تک آی داوار؟ اوجال «اورین» گونش قامتی گورسون آته یینده چمن ساچلارین هورسون

سویله میرم من، منی و منیخانه دن یازمیرام هئچ ساغر و پیماننه دن گئل سوروشاق عاقل و فرزانه دن

طبیعتنه چیخسان گوپول شاد اولار منی ایچمه میش اوره گ عشقیله دولار

«عادل» دئییر داغلار سیزده گوزوم وار چوخداندیر بیر سوروشمالی سوزوم وار

حیرت ده یم نئجه سیزده دوزوم وار دئدیلر بیز زینه تیک بو دونیا یا دونیا تکین یاشیمیز گئلمز سایا



علیرضا ذیحق (آغ جایی - ایشق)

نویسنده، شاعر، مترجم علیرضا ذیحق (آغ جایی) نویسنده، شاعر، مترجم و پژوهشگر فرهنگ مردم آذربایجان که به سال ۱۳۳۸ خورشیدی در خوی متولد شده است، به واسطه خلق آثار داستانی، از شهرت چشمگیری برخوردار است. علیرضا ذیحق (ع-آغ جایی) نویسنده، شاعر، مترجم و پژوهشگر فرهنگ مردم آذربایجان که به سال ۱۳۳۸ خورشیدی در خوی متولد شده است، به واسطه خلق آثار داستانی، از شهرت چشمگیری برخوردار است.

۱. قشقائی اتل ادبیاتی (۱۳۶۱) ۲. آذربایجان گولوشو (۱۳۶۱) نشر تلاش) ۳. غلامحیدر داستانی (۱۳۶۶) ۴. زخم شیشه (۱۳۸۰) نشر زوفا) ۵. اینگین اولدوز (۱۳۸۵) نشر زوفا) ۶. احمد ایله عدالت داستانی (۱۳۸۵) نشر زوفا) ۷. عروس سخوان (۱۳۸۶) ۸. زنی به نام آتش (۱۳۹۲) نشر شعر سپید) ۹. خوی ناغیل لاری (۱۳۹۳) نشر سپید) ۱۰. عطش (۱۳۹۳) مجموعه شعر، نشر شعر سپید) از دیگر آثار انتشار یافته علیرضا ذیحق که در آینده نزدیک چاپ خواهند شد به کتابهای زیر می توان اشاره کرد:

۱. سعادت نامه (ترجمه داستان) ۲. ایلر گنتدیلمر (ترجمه شعر) ۳. خوشگون بولاق (مقاله ها) ۴. مسون پارلیتی (مجموعه اشعار ترکی) ۵. پتر گوی عشق (قصه های ترکی) ۶. کند و کاوی در ادبیات معاصر ایران و جهان وی در یکی از گفت و گوهایش چنین می گوید: «نوشته های پرواکنده زیادی دارم. بعضا شده که در عرض یک ماه، بیش از ده نشریه به طور همزمان به چاپ شعرها، مقاله ها و قصه هایم اقدام کرده اند. شانس این را داشتم که آثارم مورد توجه نویسندگان، منتقدان و خوانندگان فهیم قرار گرفته و بیش تر کتابهایم برای داللود در سایت «کتابناک» و وبلاگ «کتابسرا» موجود است. همچنین نام و شرح آثارم به زبان ترکی آذری در وبکی پدیای آذربایجان به تفصیل درج شده است.»



جمشید واقف خوبی

نامش جمشید، نام پدرش علی اصغر و نام فامیلیش واقف بود. او در سال ۱۳۱۶ ه.ش در شهر خوی بنیاد آمد. جمشید واقف از سال ۱۳۳۴، سرودن شعر را آغاز نمود و تخلص خود را از نام فامیلیش گرفت «واقف» انتخاب نمود و کار شاعری را با غزل آغاز کرد. شادروان واقف از جمله شعرانی است که اشعار پر محتوا و پر احساس می سرود.

کتابهای:رقص بادغریب،بیر دروازه های فردا،ز تپی سرشار،از آغاز تا فرجام از او بیادگار مانده است که به چاپ رسیده است ونیز کتابهای:آوازه ای ممنوع- تذکره شعرای معاصر آذربایجان- بیره از آن زنده یاد آمده ی چاپ بود که اجل مهلتش نداد. مرحوم جمشید واقف تحصیلات خود را در شهرهای خوی،تبریز به پایان برده و موفق به اخذ لیسانس ادبیات وزبان فارسی از دانشگاه آذربایجان تبریز شد. او که در سال ۱۳۳۷، با استفاده ازده فرهنگ زادگاهش شهرستان خوی درآمده بود،تاخرین لختهاش عمر به عنوان یک دبیر سخت کوش و نمونه در اداره ی فرهنگ شهرستان خوی ایضا وظیفه نمود. واقف خوبی از سال ۱۳۳۴ فسروون شعر را آغاز نمود و اشعار او از سال ۱۳۳۶،در مطبوعات به چاپ میرسید:از زنده یاد جمشید واقف اشعار فراوان پر احساس ویر مضمون بجا مانده است.او همواره میکوشید موضوعات و مضامین جدیدی را در اشعار خود بکار گیرد.

از خصایص برجسته اشعار واقف می توان به:بیکار گرفتن واژه ها و ترکیبات تازه،استخدام قالب های کوتاه برای بیان افکار بزرگ وتلاش برای یافتن مضامین بکر وتازه بود. زنده یاد واقف پس از آشنایی با آثار نوپردازان،به شعر امروزی روی آورد وبه سرودن شعر نمایی با مصراعهای بلند وکوتاه علاقه مند شد. اشعار او در واقع تذکره الشعرای ای نیز نام «بزم سخن» بود که در واقع تذکره الشعرای آذربایجان محسوب میشود که امید است هر چه زودتر به همت خانواده اش و دوستداران شعر وادب هر چه زودتر به زیور آراسته گردد.

واقف دارای سروده ای به سبک نیمایی تحت عنوان «سیمرغ» نیز بود.اینک نمونه هایی چند از اشعار این شاعر خوش ذوق تقدیم خوانندگان محترم میشود: به دشت خاطر من بی تو- برگریزان است به باغ چشم تونوزیا بهار،خندان است تو همچو چشمه زلال،بر از صفای سکوت درون سینه من وی ای و تو فان است لب تبتسم گل،سینه ات سپیده صبح گلاب اشگ تو چون دانه های باران است چو آتشی که بماند به زیر خاکستر هنوز داغ غم تو نشسته بر جان است چگونه میروی ای بادم ای بهار امیدم که دل به شوق تو زنده به کنج زندان است وفای درد ترا نازم ای نکرده وفا که در سرای دل من همیشه مهمان است

«دعوت»

تو آمدی به سرای غم- دروغ و درد- ندیدم غمین وخسته سر انگشت را زغصه گزیدم ترا ندیدم و در اوج نامرادی و حسرت طنین گام تو از کوچه های شهر شنیدم صفای قلب تو نام،بیاد گوشه نشینی سفر نمودی واین لطف را زغیر ندیدم به انتظار تو،آهای ندیده روی ترا سیر که در جوانی تو چون غنچه،بیراهن بدریدم عزیز رفته،با هر من آی ،فصل بهاران که من ز دوری یاران به سان شاخه خدیقم



بهرام صاحبدل (هایم)

بوی محمد(ص)

می نوازد گوش جان را صوت نیکوی محمد جان عالم سرخوش از غایبه بوی محمد باعث ایجاد عالم آن وجود نازنینش اولین آفرینش نور نیکوی محمد گردید از خورشید رویش جان تازه چرخ گردون کون و امکان بنده طاق دو ایرووی محمد شام تاریک جهالت می شود تسلیم نورش تا که خورشید رسالت سر زد از کوی محمد آرد جان زنده سازد بانگ دلجوی محمد تا قیامت چشمه نوشین قرآنش بجوشد تا شود سیراب مردم از همین جوی محمد گر گلی زیبا شکوفا گشته در گلزار هستی رنگ و بوی خوش گرفته از گل روی محمد صورتش شمس ضحی و کاکلش لیل سحی شد عطر گل ها وامدار بوی گیسوی محمد آنگه از اسرار هستی می شود هر کس که باشد ریزه خوار خون و می ساکن کوی محمد سیراگر کرده شی از فرش تا عرش معلا کاخ اواندای حق شد کاخ و مشکوی محمد دندن خورشید تابان کار هر بینا باشد سرمه ما زاع دارد چشم جادوی محمد عقل عالم عاشق گلزار روی جانفزایش پای بند جمله دل ها گشته خود سوی محمد عترت و قرآن دو نقل مانده از او یادگاری نیست سنگین غیر از این ها در ترازوی محمد آل عصمت رازدار گنج پنهان نبی است غیر از آنها کی گشاید رمز صد توی محمد رمز و راز راهایی بر هدایت این دو تا دان کرد که در کنار حوض کوفر هدیه کن سوی محمد حاصل گنج رسالت صاحب علم امامت شاخص اعمال است زور بازوی محمد گشته من کمتر غلام حضرت ختمی مایم مرتضی شاه ولایت شیر اردوی محمد دین احمد جاودانه گشته با خون حسین جان فدای نو گلان و دخت بانوی محمد مکتب او مکتب ایمان و تقوی و صفاست ای خوشا هر کس که گیرد درس و الگوی محمد همیشه قاصر زبانی نعمت او را کی توانی کن رها این دار فانی شو ثنا گوی محمد من غلام کمترین مصطفی و مرتضایم تا نشینم در قیامت پای سکوی محمد

شعری از انزاب خوبی خشت برداری

بیا که عاقبت کار چرخ ناپیداست بیار باده که غم را شراب کهنه دواست مکن به مردم منت کنار گردن کج که راهکار همه کارها بدست خداست به چند روزه گردون چو اعتباری نیست به عیش کوش و محبت چه جای چون و چراست؟ به بی وفائی دنیا همه یقین دارند ولی به گاه عمل مرد این عقیده کجاست؟ به یک دو چشم زدن شصت و نه بهار گذشت معاشران همه رفتند و حال نوبت ماست وفا ز مردم ناهل باد بر پشت است بگوش بی خردان بند خشت بر دریاست نشان معرفت از ناکسان ز بی خیریت امید خیز ز نامرد داشتن، بیجاست عزیزتر ز وجودی به دوستی سوگند تو آن گزیده، نگاری که دل تو را می خواست مرو به حاشیه «انزاب» قصه کوتاه کن که پیش اهل سخن استطال کلمه خطاست



محمد آقاسی(دانش)

شعری از دانش خوبی بی سر و سامان

او رفت و غمی ماند که پایان نپذیرد دردی که نیارآمد و درمان نپذیرد آمشب رسد از هجر توام عمر به پایان اما شب هجران تو پایان نپذیرد فرمان تو ای ناصح مشفق نکند سود با این دل دیوانه که فرمان نپذیرد ای جان که به قربانی جانان بدر آئی ترسم به در آئی تو و جانان نپذیرد آرامشم آن صفره شاداب نخواهد آسایشم آن صف زده مژگان نپذیرد بلبل به چمن کاش گل روی تو بیند تا منت گلپای گلستان نپذیرد با سلسله زلف پریشان بدر آید زین بیش مرا کاش پریشان نپذیرد «دانش» به جهانی که ندارد سر و سامان آن به که سر ما هم سر و سامان نپذیرد *****

لیلا عیوضی

شعری از لیلا عیوضی تعبید

اگر بیهوده بودن را/ درون عشق می دیدم اگر قلب نمادین را/ در آن صافی چشمانت به یک تعبیر می دیدم/ به یک تعبیر می دیدم اگر آن لحظه کز غفلت/ به صید دامت افتادم کلام بر ز مهرت را/ به شیدایی به باورها نمی دادم/ محالش بود تقدیرم به آن غمخانه بدین لیلی ها/ کند اینگونه تعبیدم که در عصر دروغ و دام و حیلت ها/ به دنبال نگاری کوهکن باشم



غلامحسین ولایی

شعری از غلامحسین ولایی لذت دیدار

نوبت، ساقی عید آمد و شراب بهار جهان جوان شد و گردید موسم دیدار روانه گشت در آوند خفته آب حیات شکوفه ها بدریند برده استار و بار غنچه به جنید در دل گلین لاری سبز برافراشت لشگر اشجار هجوم سزه چمن را چو فرض اختر کرد ظهور لاله و زینک کشید نقش و نگار بشتت نم نم باران غبار برف ز دشت رود نیزه خورشید لؤلؤ شهبور به بیزار تو گوئی که خون به رنگ دارد که شاخه های لطیفش چو شاهد گلزار خمار ترگس از آن باد یافته مستی را صبح، جام گل آورد، ساقی اسرار سرود بدیدک از یونجه زار گشته بلند فضای باغ مسخر ز شور لشگر سار ز چشم چشمه، تو گوئی گلاب می جوشد که پای چشمه سراسر گل است و پونه و خار ز خوشه های گل آراسته سمن چتری رقیب گشته به طاووس های هند تبار دو سوی جوی، بنفشه بگوش چنق آب چنانکه قفلی قلاب به محضر سردار چرا کیوتر دل رفت در نشیمن دود بزین بکوه از این مجلس گرفته حصار نفس کشیدن آزاد در فضای وسیع بدون سرخی اهریمنان تاهنجار



عبداللهی آیرملو(وفا)

شعری از زنده یاد وفا قارا گیلیم

هیاهات سن سیز یو دنیا یاد پیر ده گولم م قارا گیلیم م اینتامکی سنندن ایبری گوله بیلمه م قارا گیلیم م اینتامکی آتام سنی اوزگه لره قاتام سنی سن سن منیم ایکی گوزوم ایکی گیلیم م، قارا گیلیم م ینه گولیمو یامان دوشوب ستیگورمک هوسینه آژ قالیرام حسرتیندن دوشمه م اولمه م، قارا گیلیم م ... بیرگون منی قوناق چاغیر قویونداکی نارباغینا قورخما نه زنیلیم واردی نه ده سله م قارا گیلیم م آخ کی اگر ایلم چانتسا بو فلکین یاخاسینا اونو گره ک الماکیمی ایکی بولمه م قارا گیلیم م سنندن ایبری دوشن گوندن توی لاردانا آغلامیشام هئچ اولماییب گوزلریمین یاشین سله م قارا گیلیم م وفا جاننی هردن هردن بو دنیائین ایشلرینه هئچ ییلمیرم کی آغلام یا کی گولم م قارا گیلیم م



انزاب خوبی

شعری از عابد فریادی بر شمای صفر

باشد که آب بخ نزند زیر پای صفر هرگز خیال بد نکند بیست جای صفر دنباله تبسم گل را گلاب برد خار است اینکه نیش زند در عزای صفر سرو هزار قامت ما را کسی برد در باغ سبز عاطفه دیشب برای صفر دیروز باغ، باغ گل تا سپیده بود آمشب سپیده سر زده تا انتهای صفر گاهی نمانده ذائقه ام تلخ تر شود وقتی به گوش جان من آید صدای صفر شرم نگاه سبز تو را می توان شنید در زیر چتر حادثه در لابلای صفر صد ره ستوده ایم چه غافل چه ناروا شاید برای هیچ کمی در ازای صفر در ذهن داغ دشت عطش گل مجاله شد باد است و لاش و غارت شن در هوای صفر پرخاش می کند به یک و هفت و نه چرا؟ کاش هزار چهره یک لاقبای صفر ما را عدد به غایت یک عاشقی دل است فریاد ما اثر نکند در شمای صفر



احمد شایا(آلو)

شعری از احمد شایا (آلو) اولکهمیزه دوشمن گلیر

قوچ بابکه وثرین خبر/ قیلینج کچیک، آچسین سپیر/ بڈ داغینا یغینسین لشکر/ اولکهمیزه دوشمن گلیر./ کوراوغولونو چاغیر گله/ الده قیلینج چیخسین چؤلره/ خبر وثرین چنلی یئله/ اولکهمیزه دوشمن گلیر./ دوشمنلر، یان - یانا یاتسین/ آمریکانین آدی باتسین/ قوچ دلیر، ات اوبناتسین/ اولکهمیزه دوشمن گلیر./ دلی حسن، الای یوزان/ دوشمنلر، قیبر قازان/ کنده، شهره، های ایل اوزان/ اولکهمیزه دوشمن گلیر./ سسله گله ستارخان/ جمع ایلیمسین اتل - اوبانی/ دوشمنه توتسون دیوانی/ اولکهمیزه دوشمن گلیر./ کؤمک اچون خان سرداری/ چاغیر، بیغا دوستو، یاری/ ووراق، ییخاق ایستعماری/ اولکهمیزه دوشمن گلیر./ قوچا، جان کچیک صفا/ توپوچ قارداش وور هدغه/ جبنی نی اتک صفه/ اولکهمیزه دوشمن گلیر./ فخله، کندلی ال بیر اولاق/ الله چکیش، شنه، اوراق/ سرحدلره کشیک دوراق/ اولکهمیزه دوشمن گلیر.



شهریار گلوانی

شعری از شهریار گلوانی سن و من ترجمه: علیرضا ذیحق

خیال لار ایلدیریم لی قانا دلارلا/ عاطیفه نی ایشیل - ایشیل پارلانسادا/ باخیش لارین کسکین لی بی/ و دوشونجه نین درین لی دیرکی/ بیر قلم ین رقمینسی/ شیمشک لره چئویریر، سن ایله من/ بیر عؤموردی بوللارداییق/ و آددیم لاریمیز بیاض پارلاقی دلیک لرتکین/ اچیق ایذین اولسادا/ هله بیر سیر کیمی هوندور داغ کیمی/ گیزلی دیر اییب دیر دومان دا چن ده/ بو قیزیل توپراقین گؤزل کؤیچک قیزلاری/ «اورین» ین سئیرینه چیخان اتلاردا/ ادینی بیر ماهنی تک سسله یه جک لر/ و دوداقلاری بیر غونچه تک/ سندن آلاق، گول چیچه ین عطرنی/ یایاجاق لار عشق ین رنگینی/! اینسانلار اینسانلیقی یاشادان کیمی/ بو یاشار تورپاق دا دا/ یاشارلیق اارسا/ قلمین مین لر ات کیمی کیشنه به رگ/ سنین لال حنجره نی سسله ده جک لیر، سن ایله من/ آوزون - آوزون بوللارداییق/ کوزونمز سنجیریلی بؤیوک سیرلاتکین! *****

ترگس زینالی(ایلار)

شعری از ترگس زینالی(ایلار)

وقتی که ساعتم تلخ احم می کند/ منم و بیچک غم/ شکسته های خط خطی/ دو سه حرف از حسی که از دعوی ما جا مانده/ من قاشان می کنم/ اینجا هیچ چیز دور ریختنی نیست/ ولی/ بهار که به اتانم نمی آید/ نگاه منظمتر گوشه ی اتاق خاک می خورد/ با توام/ سکوت سردترین دلهره پاییز/ خیال نا تمام/ دروغ گفتی که من تعبیر تمام خواهی خوشبختی ات بودم/ دروغ گفتی- تو که می دانستی/ من و توقسمت هم نمی شویم/ حتی اگر فکر آسمان را هم از سرمان بیرون کنیم/ به پای هم پیر نمی شویم/ من و تو شاید/ غروب شویم/ ورق بخوریم/ تمام شویم/ تمام شویم *****

علی هاشم زاده

شعری از علی هاشم زاده دنیائی نه توتدون

دنیائی نه توتدون سنی دنیا آتاخادور هر نقشه کچیک سن بیروینوناقا تاجخادور اولدوز کیمی گویند آخیرده باتان تک سئلن ده منیماولدوزوم آخیر تاجخادور دنیابویی وار اولسادا بیرگون وار صاحب بوش اللرین بیر قوری یرده تاجخادور چوپن قورولان چارفاقا فخردن ال چک بیز یاد مخالقه اوچارداق تاجخادور اولاد دیوی ناهل بؤیوتسن بوئی بول ها اولاد سنی بیر بوچ هل اوسته ساتاخادور گرده جانتیب سان بیری فریاد آلتندم فریادیوه او داده چاتانلار تاجخادور سانما اوقدر قدرتوه باتمری کیم قلیبن باغینا «هاشما» وچلی گول آرتیر بیل قادر ال آخیر سنه راحت تاجخادور قلیبن باغینا «هاشما» وچلی گول آرتیر او لطف وصفابه عزیزسیم کیم چاتاخادور



هاشم عابد



مذهبی

فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و ورزشی * **سال بیست و دوم ، شماره ۷۲۶** ***یکشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۸ ، ۱ محرم ۱۴۴۱ ، ۱ سپتامبر ۲۰۱۹**

۷

محرم، تاسوعا، عاشورا، امام حسین(ع) وحضرت ابوالفضل العباس(ع)

مطالب عینا مطابق با نوشته های منابع ذکر گردیده و از دخل و تصرف خودداری شده است لذا صحت و سقم آنها نیز بر اساس منابع ذکر شده می باشد.

ماه محرم

ماه مُحَرَّم یا محرم‌الحرام نخستین ماه تقویم اسلامی (هجری قمری) و به اعتقاد مسلمانان از جمله ی ماه‌های حرام است. نام این ماه پیش از اسلام در دوران جاهلیت مَوْتَمِر (در عربی: مُوتَمِر یا المَوْتَمِر) بوده است و در زمان جاهلیت محرم (در عربی: المُحَرَّم) نامی بوده که به ماه رجب گفته می‌شد. محرم نخستین ماه از ماه‌های دوازده‌گانه قمری و یکی از ماه‌های حرام است که در دوران جاهلیت و نیز در اسلام، جنگ در آن تحریم شده بود.

شب و روز اول محرم به عنوان اول سال قمری دارای نماز و آداب خاصی است که در کتاب مفاتیح‌الجنان بیان شده است. محرم، ماه حزن و اندوه و عزاداری شیعیان در قتل حسین بن علی است.

امام حسین علیه السلام

حسین بن علی بن ابی‌طالب زاده ۳ شعبان سال ۴ قمری در مدینه مصادف با ۲۰همنم و شهادت ۱۰ محرم سال ۶۱قمری مصادف با۲۱ مهر در کربلا، مشهور به ابعبدالله و سیدالشهداء، امام سوم شیعیان، فرزند دوم امام علی(ع) و نوه پیامبر(ص)، که در واقعه عاشورا به شهادت رسید.

حسین بن علی (ع) در دوره کودکی از محبت و علاقه فراوان پیامبر برخوردار بود. در دوره خلافت امام علی در کنار ایشان بود و در جنگ‌های آن دوره شرکت داشت. در زمان امامت امام حسن(ع) پیرو او بود و پس از شهادت وی نیز، تا زمانی که معاویه در قید حیات بود، به پیمان ایشان با معاویه وفادار ماند؛ اما پس از مرگ معاویه بیعت با یزید را مشروع ندانست.

فشار یزید بر حاکم مدینه که یا از امام حسین بیعت بگیرد یا او را به قتل برساند، باعث شد حسین (ع) در ۲۷ رجب سال ۶۰عق رهسپار مکه شود. با توجه به دعوت کوفیان برای پذیرش زمامداری، او از مکه به سوی کوفه رهسپار شد. ورود عبیدالله بن زیاد از طرف یزید که کوفه باعث شد امام نتواند به کوفه وارد شود. امام حسین در کربلا با سپاهیان عبیدالله بن زیاد مواجه شد و در جنگی که در دهم محرم سال ۶۱ق میان دو لشکر درگرفت، به همراه یارانش (حدود ۷۲ نفر) به شهادت رسید. پس از جنگ، خانواده‌اش به اسارت درآمدند و به کوفه و شام فرستاده شدند.

شهادت امام حسین(ع) آثار قابل‌توجهی بر رفتار مسلمانان و شیعیان در طول تاریخ داشته و الهام‌بخش مبارزات، انقلاب‌ها و قیام‌های متعددی بوده است. شیعیان بر گریه و سوگواری بر شهادت امام حسین(ع) به ویژه در ماه محرم، تأکید دارند.

نام، نسب، القاب

امام حسین(ع) فرزند امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) و نوه حضرت محمد(ص) است. او از خاندان بنی‌هاشم و از قبیله قریش است. امام حسن مجتبی‌(ع)، حضرت عباس(ع)، محمد بن حنفیه از برادران و حضرت زینب(ص) از خواهران او هستند.

در منابع شیعه و سنی آمده است که پیامبر(ص) نام حسین را بر او نهاد. بر اساس روایات، این نامگذاری به فرمان خداوند انجام گرفت. دو نام حسن و حسین، که قبل از اسلام نزد مردم عرب سابقه‌ای نداشت، معادل شَبر و شَیبر (یا شَیبر) نام پسران هارون است.

گزارش‌های دیگری نیز درباره نامگذاری او ذکر شده است از جمله اینکه ابتدا امام علی(ع) را حرب یا جعفر نامید ولی پیامبر(ص) نام حسین را برای او برگزید. برخی این گونه گزارش‌ها را ساختگی خوانده و دلایلی در رد آن برشمرده‌اند.

کنیه او «ابوعبدالله» است. ابوعلی، ابوالشهداء (پدر شهیدان)، ابوالاحرار (پدر آزادگان) و ابوالمجاهدین (پدر جهادکنندگان) از دیگر کنیه‌های او است.

حسین بن علی القاب فراوانی دارد که بسیاری از آنها با القاب برادرش امام حسن(ع)، مشترک است؛ مانند سید شباب اهل الجنة (سرور جوانان اهل بهشت)، برخی از القاب او عبارت‌اند از: زَکیّ، طیب، وفی، سید، مبارک، نافع، الدلیل علی ذات الله، رشید و التابع لمرضاة الله. این طلحه شافعی لقب «زَکیّ» را مشهورتر از دیگر القاب و لقب «سید شباب اهل الجنة» را مهم‌ترین آنها دانسته است. در بعضی احادیث نیز امام حسین(ع) با لقب شهید یا سیدالشهداء خوانده شده است.

زندگی نامه

حسین بن علی در مدینه به دنیا آمد. برخی تولد او را در سال سوم هجری دانسته‌اند؛ اما قول مشهور سال چهارم هجری است. درباره روز ولادت او اختلاف است. بنابر قول مشهور ولادت او سوم شعبان بوده ولی شیخ مفید تولد او را پنجم شعبان دانسته است.

در گزارش‌های شیعه و اهل سنت آمده است پیامبر هنگام تولد او گریست و از شهادتش خبر داد.

بر پایه روایتی در کتاب کافی، حسین(ع) نه از مادرش و نه از هیچ زن دیگری شیر نخورد. نقل شده است ام فضل همسر عباس بن عبدالمطلب خواب دید که قطعه‌ای از بدن پیامبر جدا و در دامن او (فضل) گذاشته شد. پیامبر در تمییز خوابش گفت فاطمه پسری به دنیا خواهد آورد و تو دایه او خواهی بود. وقتی حسین متولد شد ام‌فضل دایگی‌اش را بر عهده گرفت. نام مادر عبدالله بن یقطر نیز به عنوان دایه او گزارش شده ولی گفته‌اند حسین از هیچیک از آن دو شیر نخورد.

در منابع اهل سنت آمده است رسول خدا(ص) در میان اهل بیت خود، حسن و حسین را بیش از بقیه دوست داشت و این علاقه چنان بود که گاه با ورودشان به مسجد، خطبه‌اش را ناتمام می‌گذاشت، از منبر پایین می‌آمد و آنان را در آغوش می‌کشید. از پیامبر نقل شده است که محبت به این دو میرا از محبت به هر کس دیگری یادداشته است.

او در کنار دیگر اصحاب کساء در ماجرای مباحله حضور داشت. هنگام رحلت پیامبر(ص)، حسین(ع) هفت سال داشت و از این رو او را در زمره واپسین طبقه ی اصحاب رسول خدا (طبقه پنجم) برشمرده‌اند.

دوران خلفای سه‌گانه

۲۵ سال از عمر امام حسین(ع) در دوران خلفای سه‌گانه سپری شد. او در ابتدای خلافت خلیفه اول ۷ ساله، در آغاز خلافت خلیفه دوم ۹ ساله و در شروع خلافت خلیفه سوم ۱۹ ساله بود. از جزئیات زندگی امام سوم شیعیان در این دوران خبر چندانی در دست نیست که شاید علت آن انزوا ی سیاسی امام علی(ع) و فرزندانش باشد.

بنابر برخی گزارش‌ها، در دوره خلافت ابوبکر، حسین بن علی به همراه پدر، مادر و برادرش امام حسن شبانه برای باز پس گرفتن حق خلافت امام علی به در خانه اهل «بدر» می‌رفتند.

نقل شده است در اوایل خلافت عمر روزی حسین(ع)، که حدود ۹ سال داشت، وارد مسجد شد و چون عمر را در حال سخنرانی بر منبر رسول خدا(ص) دید، از منبر بالا رفت و به او گفت: از منبر پدرم فرود آی و بر منبر پدرت بنشین! عمر گفت: پدرم منبری نداشت، سپس

او را کنار خود نشاند.گزارش‌هایی از احترام ویژه خلیفه دوم به امام حسین رسیده است.

وقتی عثمان در دوره خلافتش ابودر را به سرزمین ریزه تبعید و همگان را از بدرقه و همراهی او منع کرد، امام حسین(ع) همراه پدر، برادرش امام حسن(ع) و چند تن دیگر برخلاف دستور خلیفه، ابودر را بدرقه کردند.

برخی منابع اهل سنت به حضور امام حسین در نبرد افریقیه در سال ۲۶قمری و نبرد طبرستان در سال ۲۹ یا ۳۰ق اشاره‌ای کرده‌اند. چنین گزارشی در هیچ یک از منابع شیعه نیامده است. بسیاری از منابع تاریخی گفته‌اند نبردهای مذکور بدون درگیری به مصالحه انجامیده است.گزارش حضور حسین در این جنگ‌ها، موافقان و مخالفانی داشته است. برخی همچون جعفر مرتضی عاملی با توجه به اشکالات سندی این گزارش‌ها و نیز مخالفت امامان با شیوه فتوحات، آنها را ساختگی دانسته و اجازه ندادن امام علی به حسینین برای ورود به میدان جنگ در صفین را تاییدی بر آن شمرده‌اند. برخی نیز حضور حسین در این فتوحات را در راستای مصالح امت اسلامی و با هدف ارائه اطلاعات دقیق‌تر به امام علی از اوضاع جامعه و همچنین آشنا کردن مردم با اهل بیت دانسته‌اند.

بنابر برخی گزارش‌های تاریخی، در و اواخر حکومت عثمان که گروهی سر به شورش برداشتند و به قصد کشتن عثمان به سمت خانه او هجوم بردند، امام حسن مجتبی و امام حسین، به رغم ناخرسندی از عملکرد خلیفه، به فرمان امام علی(ع) به محافظت از خانه عثمان پرداختند. این گزارش موافقان و مخالفانی داشته است. **دوران حکومت امام علی(ع)**

بر اساس گزارش‌های اندک مربوط به این دوره، امام حسین پس از بیعت مردم با امیر مومنان،(ع)خطبه‌ای خوانده است. در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امام علی را بر عهده داشته و در جنگ صفین، خطبه‌ای برای ترغیب مردم به جهاد خوانده و به همراه امام حسن، فرماندهان جناح راست سپاه بوده‌اند. گفته‌اند در صفین، امام حسین در ماجرای پس گرفتن آب از شامیان شرکت داشت و پس از آن امیرالمومنین فرمود: این نخستین پیروزی بود که به برکت حسین به دست آمد. به نقل برخی منابع، او در جنگ نهروان نیز در حضور داشت. بر اساس گزارش‌های مربوط به جنگ صفین، امام علی(ع) از جنگیدن حسین(ع) جلوگیری می‌کرد و علت آن را حفظ نسل پیامبر(ص) می‌شمرد.

بسیاری از منابع گفته‌اند امام حسین در زمان شهادت امام علی(ع)

کنار ایشان بود و در مراسم تجهیز و خاکسپاری حضور داشت. ولی در کتاب «نساب الاشراف» آمده است امام حسین(ع) هنگام شهادت پدر، برای انجام‌دادن مأموریتی که علی(ع) به او داده بود، در مدائن به سر می‌برد و با نامه امام حسن(ع) از موضوع آگاه شد.

دوران امام حسین(ع)

گزارش‌های تاریخی از ادب و احترام حسین بن علی(ع) به برادرش امام حسن(ع) حکایت دارد. نقل شده است اگر در مجلسی امام حسن حضور داشت، او بخاطر رعایت احترام سخن نمی‌گفت. پس از شهادت امام علی(ع) گروهی از خوارج که به جنگ با شامیان اصرار داشتند، با امام حسین بیعت نکردند و نزد حسین(ع) آمدند تا با او بیعت کنند. وی گفت: به خدا پناه می‌برم که تا زمانی که حسن زنده است بیعت شما را بپذیرم. در ماجرای صلح با معاویه، او در برابر شیعیان متعرض، حامی برادر بود و اقدام او را تایید کرد و نقل شده است که گفت: او (امام حسن) امام من است.

بر پایه برخی گزارش‌ها، پس از برقراری صلح، امام حسین نیز همچون امام حسن، با معاویه بیعت کرد و حتی پس از شهادت امام حسن نیز بر عهد خود باقی ماند. در مقابل، گزارش‌هایی حاکی از بیعت نکردن حسین(ع) و ناخرسندی وی از صلح با معاویه است. برخی محققان این گزارش‌ها را با دیگر گزارش‌ها و قرائن تاریخی ناسازگار دانسته‌اند از جمله اینکه حسین(ع) در پاسخ به دسته‌ای از معترضان به صلح، که او را به گردآوری شیعیانش برای حمله به معاویه فراخواندند، گفت: ما پیمان سب و تهمین هم‌رگز پیمان خود را نمی‌شکنیم. در گزارش دیگری آمده است که به مترضان گفت: تا زمانی که معاویه زنده است منتظر بمانید؛ هرگاه او مُرد، تصمیم می‌گیریم.

امام حسین(ع) در سال ۶۱ق، همراه برادرش از کوفه به مدینه بازگشت.

همسران و فرزندان

منابع قدیمی فرزندان امام حسین(ع) را چهار پسر و دو دختر و منابع امروزی شش پسر و سه دختر نوشته‌اند.

در منابع جدید نام‌های علی‌اصغر فرزند شهربانو، محمد فرزند رباب و زینب (بدون ذکر نام مادر) نیز به عنوان فرزندان امام حسین آمده است.این اطلاعات شافعی در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول تعداد فرزندان امام را ده تن شمرده است. همچنین در برخی کتاب‌های تذکره و مراثی متأخر، از دختر چهار ساله امام حسین به نام رقیه سخن به میان آمده است.

دوران اقامت

امام حسین(ع) پس از شهادت برادرش در سال ۵۰ه‍.ق به امامت رسید و تا روزهای آغازین سال ۶۱ق رهبری شیعیان را بر عهده داشت. شیخ مفید در کتاب ارشاد به برخی نصوص امامت حسین بن علی(ع) اشاره کرده است از جمله گفته شد:«بنای هذان امامان قاصا او قعدا (ترجمه: این دو پسر ام |حسن و حسین)؛ امام هستند خواه قیام کنند یا نکنند)» و همچنین وصیت امام علی(ع) در هنگام شهادت. وی با استناد به این نصوص، امامت امام حسین را ثابت و قطعی دانسته است. به گفته شیخ مفید، امام حسین به خاطر رعایت تقیه و عهدی که در ماجرای صلح امام حسن کرده بود، تا زمان مرگ معاویه، به خود دعوت نکرد و امامتش را آشکار کرد و جایگاه خود را برای کسانی که آگاه نبودند روشن نمود.

در منابع آمده است حسین(ع) پیش از خروج از مدینه در سال ۶۰ق، بخشی از وصیت‌ها و ودایع امامت را به ام سلمه و بخشی دیگر را پیش از شهادت خود در محرم ۶۱، به دختر بزرگش فاطمه داد تا آنها را به امام سجاده(ع) سپارند.

پیامندی به صلح امام حسین

بیشتر دوران امامت سومین امام شیعیان با حکومت معاویه هم‌زمان بود، او در این دوره به پیمان صلحی که برادرش با معاویه بسته بود وفادار ماند و در پاسخ به نامه برخی از شیعیان که برای پذیرش رهبری او و قیام در برابر بنی‌امیه اعلام آمادگی کردند، نوشت: اکنون عقیده من چنین نیست. تا هنگامی که معاویه زنده است اقدامی نکنید و در خانه‌هاتان پنهان شوید و از کاری که به شما بدگمان شوند بپرهیزید. اگر او مُرد و من زنده بودم، نظرم را برایتان می‌نویسم.

موضع گیری در برابر اقدامات معاویه

هرچند امام حسین در دوره حکومت معاویه اقدامی عملی بر ضد او انجام نداد، ولی به گفته رسول جعفریان «هناسبات امام و معاویه و فتکوهاشی که در مواقع مختلف صورت گرفته، نشان از تسلیم ناپذیری امام از لحاظ سیاسی در برابر پذیرش مشروعیت قطعی معاویه است.» نامه‌های متعددی که بین حسین بن علی(ع) و معاویه رد و بدل شد، از آن جمله است.

اعتراض به کشتن یاران امام علی

اقدام معاویه در کشتن افرادی چون حجر بن عدی، عمرو بن حنق خزاعی و عبدالله بن یحیی حضرمی از مواردی بود که اعتراض شدید امام حسین(ع) را در پی داشت. او بنابر گزارش منابع متعدد، نامه‌ای به معاویه نوشت و کشتن یاران امام علی را محکوم کرد و ضمن برشمردن برخی از کارهای ناشایست معاویه، او را نکوهید و گفت: من برای خود و دین خود چیزی بالاتر از جهاد با تو نمی‌دانم. در ادامه این نامه آمده است: من فتنه‌ای بزرگ‌تر از حکومت تو بر این امت سراغ ندارم

همچنین نقل شده است وقتی معاویه در سفر حج با امام رو در رو شد به او گفت: آیا شنیدی ما چه بر سر حُجر و اصحاب او و شیعیان پدرت آوردیم؟ امام فرمود: چه کردید؟ معاویه گفت: آنها را کشتیم، کفن کردیم، نماز بر آنها خواندیم و دفن کردیم. امام فرمود: اما اگر ما یاران تو را نکشیم، نه آنها را کفن می‌کنیم، نه نماز بر آنها می‌خوانیم و نه دفن‌شان می‌کنیم.

اعتراض به ولایتعهدی یزید

در سال ۵۶ق معاویه مردم را به بیعت با یزید به عنوان جانشین خود فراخواند. برخی از شخصیت‌ها از جمله امام حسین از بیعت خودداری کردند. معاویه به مدینه رفت تا نظر بزرگان را برای ولایتعهدی یزید جلب کند. امام حسین در مجلسی که معاویه و ابن عباس و برخی از درباریان و خاندان اموی حضور داشتند، معاویه را نکوهش کرد و با اشاره به خلق و خوی یزید، معاویه را از تلاش برای جانشینی او برحذر داشت و ضمن تأکید بر جایگاه و حق خود، به ابطال استدلال‌های معاویه برای جلب بیعت با یزید پرداخت. همچنین در مجلس دیگری که عموم مردم در آن حضور داشتند، امام حسین در واکنش به سخنان معاویه درباره شایستگی یزید، خودش را به لحاظ فردی و خانوادگی برای خلافت سزوارتر دانست و یزید را شراب‌خوار و اهل هوا و هوس معرفی کرد.

سیاست معاویه در برابر امام(ع)

معاویه مانند خلفای سه‌گانه در ظاهر احترام بسیاری برای امام حسین(ع) قائل بود. این به آن جهت بود که می‌دانست امام حسین(ع) نزد مردم مکه و مدینه جایگاه ویژه‌ای دارد. با این حال، امام(ع) مانعی بزرگ بر سر راه حکومت وی بود که معاویه پیوسته نگران قیام او بود؛ از این رو معاویه در ظاهر به امام احترام می‌کرد و او را بزرگ می‌شمرد و به کارگزارانش دستور داده بود که متعرض فرزند رسول خدا(ص) نشوند و از بی‌احترامی نسبت به وی بپرهیزند و از سوی دیگر، مراقبت پیوسته و شبانه‌روزی از امام(ع) را در دستور کار خود قرار داده بود. معاویه به فرزندش یزید نیز سفارش کرده بود در صورت غلبه بر امام، با او مدارا کند و بر بیعت گرفتن از او اصرار نرورد.

خطبه امام در منا

امام حسین در سال ۵۸ه‍.ق، دو سال قبل از مرگ معاویه خطبه‌ای حماسی و اعتراض آمیز در منا خواند؛ در این زمان فشار معاویه بر شیعیان به اوج رسیده بود و در فضای اجتماعی سیاسی خفقان حاکم بود. امام در این خطبه ضمن برشمردن فضائل پیامبر مؤمنان و اهل بیت و دعوت به امر به معروف و نهی از منکر و تأکید بر اهمیت این وظیفه اسلامی، وظیفه علما و لزوم قیام آنان در مقابل ستمگران و مفاسد و نیز مضرات سکوت علما در مقابل زورگویان را گوشزد کرد.

واکنش شیعیان امام(ع) در برابر یزید

یزید وقتی به خلافت رسید برای بیعت گرفتن اجباری از حسین بن علی و چند تن دیگر به حاکم وقت مدینه نامه نوشت. یزید همچنین در نامه‌ای دیگر از حاکم مدینه خواست بود سر حسین بن علی را برای او بفرستد؛ بنابراین امام حسین(ع) و یارانش در ۲۷ رجب، مدینه را به قصد مکه ترک کردند. به جز معاویه بن حنفیه بیشتر خویشاوندان امام حسین(ع) از جمله فرزندان، برادران، خواهران و برادرزاده‌های امام، وی را همراهی می‌کردند. علاوه بر بنی هاشم، ۲۱ نفر از یاران امام حسین(ع) نیز در این سفر همراه شده بودند. امام حسین(ع) پس از پنج روز، در ۳ شعبان سال ۶۰ق به مکه رسید و با استقبال مردم مکه و حاجیان بیت الله الحرام روبرو شد. امام حسین(ع) پیش از چهار ماه – از سوم شعبان تا هشتم ذی الحجه – در مکه ماند.

نامه کوفیان

شیعیان عراق از بیعت نکردن امام حسین(ع) با یزید باخبر شدند. پس در منزل سلیمان بن سُرد خزاعی گرد آمدند و با نوشتن نامه‌ای به امام حسین(ع) از او خواستند به کوفه بیایند. در فرستانان این نامه، کوفیان ۱۵۰ نامه دیگر (که هر نامه شامل امضای یک تا چهار نفر بود) به سوی امام حسین(ع) فرستادند. دو روز بعد نیز نامه‌هایی به امام حسین(ع) رسید. محتوای همه این نامه‌ها درخواست از آن حضرت برای آمدن به کوفه بود.

وقتی حِجَم نامه‌ها بسیار زیاد شد امام حسین(ع) نامه‌ای به مردم کوفه نوشت و آن را به پسر عمویش مسلم بن عقیل داد تا عازم عراق شود و اوضاع و احوال آنجا را بررسی کند و به ایشان گزارش دهد. مسلم نامه‌ای به امام نوشت و پرشماری بیعت‌کنندگان را تأیید کرد و امام را به کوفه فرا خواند.

حرکت از مکه به سمت کوفه

امام حسین(ع) در روز سه‌شنبه، هشتم ذی حجه (روز ترویبه) (همان روزی که مسلم به شهادت رسید) به همراه ۸۲ نفر مکه را به سوی کوفه ترک کرد.

امام حسین(ع) در بین راه مکه به عراق از کشته شدن مسلم و هانی و پیمان‌شکنی مردم کوفه آگاه شد و همراهان خود را نیز آگاه ساخت، و به آنان رخصت داد اگر می‌خواهند، او را ترک کنند. گروهی رفتند؛ اما خویشاوندان وی و تنی چند از یاران از او جدا نشدند.

وقتی امام به نزدیکی کوفه رسید، در منطقه‌ای به نام ذو حُسم با پیش‌قروانان سپاهیان پسر زیاد روبه‌رو شد. سردار این لشکر حُر بن یزید بود. او راه امام را در این منطقه بست. حکم عبیدالله بن زیاد نامه‌ای برای حر آورد که در آن خطاب به حر نوشته بود: «بر حسین(ع) سخت گیر، و او را فرود نیاور مگر در بیابان بی‌حصار و بدون آب». حر نامه این زیاد را برای امام حسین(ع) خواند و امام حسین(ع) به او فرمود: «بگذار در نینوا یا غاصبه فرود آییم». حر گفت: «ممکن نیست؛ زیرا عبیدالله آورنده نامه را بر من جاسوس گمارده است!». با هم حرکت کردند تا به کربلا رسیدند. حُر و یارانش، جلوی کاروان امام حسین(ع) ایستادند و آنان را از ادامه مسیر، باز داشتند.

حاکم کوفه که از رسیدن امام به نزدیکی کوفه خبردار شد، لشکری را به سرکردگی عیمر بن سعد به پیشواز او فرستاد.

واقعه کربلا

بیشتر منابع، دوم محرم را روز ورود امام حسین(ع)به کربلا دانسته‌اند. عمر بن سعد نیز افرادی آن روز به همراه چهار هزار نفر از مردم کوفه وارد کربلا شد. امام حسین(ع) در جواب پیام عمر بن سعد که چرا به اینجا آمده است، فرمود: «مردم شهرتان به من نامه نوشتند که بدینجا بیایم. اکنون اگر مرا نمی‌خواهند باز می‌گردم.» عمر بن سعد نامه‌ی به عبیدالله بن زیاد نوشت و او را از سخن امام(ع) آگاه کرد. عبیدالله بن زیاد در جواب نامه عمر بن سعد، بیعت حسین(ع) و یارانش با یزید بن معاویه را درخواست کرد.

گفتگوهای امام(ع) و ابن سعد، سه یا چهار بار تکرار شد. بنا بر برخی منابع امام و عمر ابن سعد توافق کردند که امام کربلا را ترک کند؛ اما این گفتگوها با مخالفت عبیدالله عقیم ماند.

۲۰۱۹ سپتامبر

گردآورنده:

جواد ابدالی

روزهفتم: بستن آب به روی حسین(ع)

در روز هفتم محرم، عبیدالله بن زیاد در نامه‌ای از عمر بن سعد خواست که میان آب و حسین(ع) و یارانش جدایی افکند تا یک قطره از آن ننوشند. چون این نامه به دست عمر بن سعد رسید به عمرو بن حجاج زبیدی فرمان داد تا با پانصد سوار به کنار شریعه فرات برود و مانع دسترسی امام حسین(ع) و یارانش به آب شوند.

روز تاسوعا

شمر بن ذی الجوشن بعنازظهر روز نهم محرم به عمر بن سعد پیوست. شمر (که از طایفه ام البنین بود) از ابن زیاد برای فرزندان ام البنین امان‌نامه گرفته بود که فرزندان ام البنین آن را نپذیرفتند. وقتی امام(ع) از نیت دشمن برای حمله در روز تاسوعا آگاه شد، به برادرش عباس فرمود:

«اگر می‌توانی آنان را راضی کن که جنگ را تا فردا به تأخیر اندازند و منصف با راه ما مهلت دهند تا با خدای خود راز و نیاز کنیم و به درگاهش نماز بگزاریم. خدا می‌داند که من نماز و تلاوت قرآن را بسیار دوست می‌دارم.»

عباس نزد سپاهیان دشمن رفت و درخواست امام(ع) را به اطلاع آنان رساند. ابن سعد با مهلت یک شبه به امام حسین(ع) و یارانش موافقت کرد. در این روز خیمه‌های امام حسین(ع) و اهل بیت و یارانش محاصره شد.

شب عاشورا

امام حسین(ع) در اوایل شب یاران خود را جمع کرد و رو به آنان گفت:

آگاه باشید که من به شما اجازه (رفتن) دادم. پس همه با خیالی آسوده بروید که بیعتی از من بر گردن شما نیست. اکنون که سیاهی شب شما را پوشانده، آن را مُرَمِّی (سوار) بگیرید و بروید.

در این هنگام ابتدا اهل بیت امام حسین(ع) و سپس یاران آن امام هر یک در سخنانی حماسی، اعلام وفاداری کردند و بر فدا کردن جان خویش در دفاع از امام حسین(ع) تأکید کردند.

روز عاشورا

امام حسین(ع) پس از اقامه نماز صبح، صف‌های نیروهای خود (۳۲ تن سواره و ۴۰ تن پیاده) را منظم کرد. امام حسین(ع) برای اتمام حجت با دشمن، سوار بر اسب شد و همراه با گروهی از یاران به سوی لشکر دشمن پیش رفت و آنان را موظف کرد.

یکی از وقایع صبح عاشورا کاره‌گیری حر بن یزید ربیعی از لشکر عمر بن سعد و پیوستن به اردوگاه امام(ع) بود.

در ابتدای جنگ، حملات به صورت گروهی انجام شد. طبق بعضی روایات تاریخی، تا ۵۰ تن از یاران امام حسین(ع)، در اوایل حمله به شهادت رسیدند. پس از شهادت اصحاب غیرهاشمی، یاران بنی‌هاشمی امام حسین(ع) برای نبرد پیش آمدند. اولین کسی که از بنی هاشم از امام حسین(ع) اجازه میدان طلپید و به شهادت رسید، علی اکبر بود. پس از او دیگر خاندان امام نیز یکی پس از دیگری به میدان رفتند و به شهادت رسیدند. ابوالفضل العباس(ع)، پرچمدار سپاه و محافظ خیمه‌ها نیز در نبرد با نگاهبانان شریعه فرات به شهادت رسید.

پس از شهادت بنی‌هاشم، امام حسین(ع) عازم نبرد شد. اما از سپاه کوفه تا مدتی کسی برای رویارویی با آن حضرت پا پیش نمی‌نهاد. پیادگان حشم امر شمر بن ذی الجوشن، امام(ع) را احاطه کرده بودند، ولی همچنان پیش نمی‌آمدند. شمر آنها را به حمله تشویق می‌کرد.

شمر به تیراندازان دستور داد امام را تیرباران کنند. از فراوانی تیرها، بدن امام پر از تیر شده بود. شمرین ذی الجوشن با گروهی از سپاهیان، از جمله سنان بن انس نخعی و خولی بن یزید اصبحی، به سوی حسین(ع) آمدند. شمر آنان را به تمام کردن کار امام(ع) تشویق کرداما کسی نمی‌پذیرفت. او به خولی بن یزید دستور داد تا سر حسین(ع) را جدا کند؛ اما او نتوانست این کار را انجام دهد. شمر و به نقلی سنان بن انس از اسب پیاده شد و سر امام(ع) را جدا کرد و به دست خولی داد.

تطبیق تاریخی عاشورا

عاشورای سال ۶۱ هجری قمری طبق بعضی محاسبات نجومی با توجه به گاهشماری هجری قمری هلالی با سه شنبه، ۲۰ مهر ۵۹ هجری خورشیدی (۹ اکتبر ۶۸۰ میلادی) برابر می‌باشد اما براساس محاسبات جدولی گاهشماری هجری قمری قراردادی این روز با چهارشنبه، ۲۱ مهرماه خورشیدی (۱۰ اکتبر میلادی) همان سال تطبیق داده می‌شود.

قیام عاشورا: دیدگاه‌ها و پیامدها

قیام امام حسین(ع) باعث بیداری گروه‌های بسیاری شد. بلافاصله پس از شهادت امام حسین(ع) حرکت‌های انقلابی و اعتراضی آغاز شد و تا سالیان دراز ادامه یافت. اولین اعتراض، برخورد عبدالله بن عقیف با ابن زیاد و سپس از آن گمبود روایات از زندگی وی را تا قبل نیز در اعتراض به واقعه عاشورا علیه یزید شوریدند که به واقعه حره شهرت یافت. پس از هلاکت یزید قیام‌ها ادامه یافت که قیام توابین، قیام مختار، قیام زید بن علی(ع) و قیام یحیی بن زید از آن جمله است. ابومسلم خراسانی نیز با توجه به قیام امام حسین(ع)، قیام سپاه مانگان را با شعار یا لثارات الحسین پایه‌ریزی کرد که به سقوط امویان انجامید.

قیام‌های علویان قیام عباسیان نیز همگی از قیام امام حسین(ع) الگو گرفتند؛ از جمله قیام محمد بن عبدالله علیه منصور عباسی، قیام ابراهیم باخمرا، قیام شهید فخر.

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

عباس بن علی طبق روایات شیعه به ادب معروف است. نمود اصلی ادب او سکوت و فرمان‌بری وی نسبت به برادر بزرگترش حسین بن علی بود. برخی محدثین علت کمبود روایات از زندگی وی را تا قبل از واقعه کربلا، همین سکوت و ادب و عدم عرض اندام وی می‌دانند. طبری و بلاذری، منابع اولیه نبرد کربلا، جزئیات کشته‌شدن او را ذکر نکرده‌اند. شیخ مفید در الاختصاص عباس را با صفت «سقا» به معنی آب‌دهنده توصیف می‌کند. گفته‌شده‌است که عباس شجاعت و شهامت را از پدرش علی ابن ابی طالب به ارث برده بود و در جنگ‌ها همیشه او علم را با خود حمل می‌کرد و به همین دلیل به «علم‌دار» مشهور بود.

حرم حضرت عباس

محل دفن حضرت عباس در شهر کربلا که در ۳۷۸ متری شمال شرقی حرم امام حسین(ع) قرار دارد، یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان است. حد فاصل حرم حضرت عباس و حرم امام حسین (ع) را بین الحرمین می‌نامند.